

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بهمن شفیق

۰۸ دسمبر ۲۰۲۲

میان ماه من تا ماه گردون:

چه دره عمیقی است بین این اعتصاب و آن اعتصاب

بین تفاوت اصلی دو موج اعتصابی در ایران رنگین کمانی و در انگلستان و در امریکا بود. به همان اندازه که اعتصاب کوتوله ایران در رسانه‌ها همچون بادکنکی با ابعاد عظیم در مقابل چشم جهانیان قرار می‌گرفت و به مثابه غولی عظیم در نظر ظاهر می‌شد، به همان اندازه اعتصاب غول آسای کارگران انگلستان و امریکا در رسانه‌ها به اندازه یک توپ پینگ پنگ هم نشان داده نمی‌شد.

جنبش انقلاب رنگین کمانی ۱۴۰۱ برای سه روز ۱۴ تا ۱۶ آذر - قوس - به یک اعتصاب سراسری فراخوان داده است. این که چنین فراخوانی اقدامی هوشمندانه و یا ابلهانه بوده است بحثی است که در فرصتی دیگر باید مفصل تر هم به زمینه‌ها و هم به دلایل آن پرداخت. اینجا همینقدر کافایت گفته شود که طبقه متوسط در ایران هر گاه به عنوان یک جمع بزرگ و با عمل متحد ظاهر شده است خرد جمعی آن به سمت بیشعوری مطلق سیر نموده است. در جریان جنبش سبز ۸۸ و فراخوان فتح تظاهرات ۲۲ بهمن - دلو - از درون و با شرکت در آن همین اتفاق افتاد که تنها منجر به افزایش شمار شرکت کنندگان در تظاهرات گردید و در اعتصاب سراسری جاری نیز همین بلاهت را می‌توان بروشنی دید. این بیماری مزمنی است که هیچ‌گاه از آن خلاص نخواهد شد.

اما نکته اصلی یادداشت حاضر این نیست بلکه نگاهی به تفاوتی است که بین این اعتصاب و اعتصابات کارگران در انگلستان و امریکا است. فقط توجه به همین تفاوت نشان می‌دهد که آنچه در مقابل چشمان ما در دو سوی این میدانهای نبرد جاری است دو دنیای متفاوت متعلق به دو طبقه متفاوت است. اما بگذارید نخست به خود تفاوت بپردازیم.

اعتصابات سه روزه آذر ماه بلوای رنگین کمانی دومین موج اعتصابات پس از اعتصابات سه روزه پایان آبان ماه - عرقب - است. گفتیم که درستی یا نادرستی این تاکتیکها موضوع بحث نیست. اما یک چیز در خور توجه است. از روزها پیش از «اعتصابات سراسری» آبان ماه و به همین ترتیب آذر ماه، بوق و کرنای کر کننده خبر این مادر اعتصابات تمام قرون در تمام جهان نه فقط در تمام ایران، بلکه در تمام جهان پیچیده بود. از اوکراینی های قهرمان تا کاخ سفیدی ها و بروکسلی ها و لندنی ها همه می‌دانستند که چه طوفان عظیمی در راه است و شوالیه های پلاستیکی آنان در تدارک چه انفجار بزرگی اند. با وقوع اعتصاب در آبان ماه کسر کوچکی از «توده انقلابی» بازاریان و کسر به مراتب کوچکتری از کارگران در آن شرکت کردند و در آذر ماه کسر باز هم بسیار کوچکتری. حتی لاقل در بخشهایی

از «کوردستان انقلابی» آنان که در آبان ماه به ضرب و زور تفنگ پیشمرگان مغازه‌ها بسته ماندند، در آذر ماه تا لحظه حاضر (پایان روز اول اعتصاب) خبر چندانی از آن اعتصاب شکوهمند نیست. به عبارتی دیگر، هر چه هیاهوی اعتصاب بزرگتر، به همان اندازه خود اعتصاب بر زمین واقعی ناتوان تر. عدم تجانس آشکار بین انعکاس عظیم اعتصاب در جهان رسانه‌ای و مجازی با خود اعتصاب بی‌اهمیت در جهان واقعی. مسأله اما این بود که کوچک بودن اعتصاب مانع از آن نمی‌شد که نه تنها تمام ایران، بلکه حتی تمام جهان در جریان تدارک و جزئیات خیالی آن قرار نگیرند.

و در سوی دیگر، در امریکا، مدتهاست کارگران راه آهن برای افزایش دستمزدها و مزایای خود در حال اعتصاب بودند. اعتصابی بزرگ که با توجه به وضعیت نامساعد سوخت رسانی در امریکا و اهمیت حیاتی راه آهن در انتقال مواد غذایی و محصولات مورد نیاز صنایع، می‌توانست به مراتب اهمیت فلج‌کننده تری از اعتصابات بازاریان رنگین‌کمانی داشته باشد. به همین ترتیب نیز در انگلستان که بر متن تنگناهای اقتصادی در معرض یکی از بزرگترین موجهای اعتصابات در دهه‌های اخیر قرار دارد. اعتصاباتی که کارگران راه آهن، پرستاران، کارکنان خدمات اضطراری، معلمان، کارگران پست و کارگران مخابرات برای آن آماده می‌شوند. موجی که البته از مدتی قبل با اعتصاباتی پراکنده آغاز شده است و اکنون در آستانه تبدیل به یک واقعه بزرگ اجتماعی است. دقت می‌کنید؟ در هر دو اعتصابات، این پایه‌های اعتصاب‌کننده اند که در حال آماده شدن برای آنند و نه فراخوان دهندگانی از بیرون. اما مهم‌تر آنست که اخبار هر دو اعتصاب برای مدتها زیر انبوه خبرهای دیگر، و از جمله خبرهای اعتصاب انقلاب رنگین‌کمانی ایران، مدفون شده و به چشم نمی‌آمدند. تنها فعالان سیاسی و اجتماعی علاقه مند بودند که باید این اخبار را از رسانه‌های با برد محدودتر پیگیری می‌کردند. خبر هر دو واقعه هنگامی به معنای واقعی کلمه انعکاس رسانه‌ئی یافت که در هر دو کشور حاکمان علناً علیه کارگران پا به میدان گذاشتند. در امریکا اعتصابات کارگران راه آهن غیر قانونی اعلام شد و در انگلستان ریشی سوناک اختیارات ویژه به پولیس تقویض و اعلام کرد که از به میدان آوردن ارتش علیه اعتصابیون خودداری نخواهد کرد. تنها بعد از آن بود که جهانیان در سطح وسیع از اعتصابات در امریکا و انگلیس مطلع شدند. تا آن زمان، انعکاس رسانه‌ئی این اعتصابات در حوزه‌ای محدود باقی‌مانده بود.

این تفاوت اصلی دو موج اعتصابی در ایران رنگین‌کمانی و در انگلستان و در امریکا بود. به همان اندازه که اعتصاب کوتوله ایران در رسانه‌ها همچون بادکنکی با ابعاد عظیم در مقابل چشم جهانیان قرار می‌گرفت و به مثابه غولی عظیم در نظر ظاهر می‌شد، به همان اندازه اعتصاب غول‌آسای کارگران انگلستان و امریکا در رسانه‌ها به اندازه یک توپ پینگ‌پنگ هم نشان داده نمی‌شد. آن ابعاد غول‌آسا در اولی قرار بود کمبود مایه آن را جبران نموده و آن جنبش بی‌مایه را دوپینگ کرده و با اعتماد به نفسی کاذب پمپاژ کند و این ابعاد کوچک اعتصابات کارگران انگلستان و امریکا در رسانه‌ها قرار بود این اعتصابات را بی‌اهمیت جلوه داده و از ورود آن به صحنه سیاست به عنوان یک عامل اثر گذار ممانعت کند. بیهوده نیست که حاکمان در آن دو کشور، بایدن و سوناک و نوچه‌های آنان، در کنار اعتصاب اول قرار گرفتند و چماق قانون و ارتش را بر سر کارگران اعتصاب دوم به اهتزاز درآوردند.

تفاوت را دیدید؟ به همین سادگی است. اولی اعتصاب متمولین ناراضی طبقه حاکمه است دومی اعتصاب محرومان است علیه طبقه حاکمه. اولی علیه نظام سیاسی حاکم و برای نجات نظم اقتصادی و سیادت طبقه مسلط است، و دومی با این که نه علیه نظام حاکم است و نه بلاواسطه علیه نظم اقتصادی و سیادت طبقه حاکمه، در عین حال از ظرفیت آن برخوردار است که کل نظم مسلط را به خطر اندازد. اولی برای سهولت باز هم بیشتر و بیشتر جریان سرمایه است،

دومی برای کنترل و مهار بیشتر قدرت سرمایه. به همین سادگی است. این را هر کارگری باید بفهمد و نه تنها راهش را از این جنبش منجلاهی جدا کند، بلکه فعالانه علیه آن مبارزه کند.

بعدالتحریر: برادران ارزشی سعی نکنند از این نم کلاهی برای خود بدوزند. کارگران اعتصابی انگلیس و امریکائی اگر در ایران بودند حکم شلاق در ملأ عام را تاکنون در یافت کرده بودند. شما نه، برادران، شما محق نیستید به آن اعتصابات ارجاع دهید.

۱۴ آذر- قوس- ۵/۱۴۰۱ دسمبر ۲۰۲۲